

ویژگی‌های بلاغی/انئید و پیشینه آن در ادب لاتین: بررسی تطبیقی

محمدحسین رمضان‌کیایی^{۱*}، ایمان منسوب بصیری^۲

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات ایتالیایی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری ادبیات ایتالیایی، دانشگاه رم ساپینزا، رم، ایتالیا

دریافت: ۹۰/۳/۲۱
پذیرش: ۹۰/۱۱/۵

چکیده

انئید ویرژیل یکی از شاهکارهای حماسی جهان و بدون شک گران‌قدرترين نمونه حماسه لاتين است. هرچند می‌توان اين کتاب را حماسه مصنوع به شمار آورد، در اين مورد نيز حققت با مجاز درمي آميزد و اسطوره‌پردازی شاعر متأثر از وقایع تاریخی ازیارفته است. نگارنده در مقاله حاضر برآن است که با استفاده از متون حماسی شاعران لاتین پیش از انئید - که اغلب از سخنوری یونان متأثر بوده‌اند - ویژگی‌های برجسته این کتاب را در حوزه معانی و بیان و بدیع نشان دهد. با توجه به ابيات انگشت‌شماری که از شاعران حماسه‌سرای لاتین پیش از ویرژیل برجای مانده است، نمی‌توان در این باب به سبک شاعران مقدم و بنابراین تأثیرهای بلاغی مجموعه آثار آنان بر ویرژیل پرداخت. تنها راه ممکن، بسته کردن به ابيات اندک باقی‌مانده و بررسی بلاغی آن‌هاست. از اين‌رو، در اين گفتار پس از بيان شرح حال کوتاهی از اين شاعران، به ذکر مؤثرترین ویژگی سبکی سخن آنان با توجه به ابيات برجای‌مانده در انئید می‌پردازيم. شایان ذکر است دستور زبان لاتین کلاسیک که ویرژیل بزرگترین نماینده آن در نظم و سیسرون در نثر است، با تمایز آشکار از لاتین عامیانه و باستانی، در شکل‌گیری شیوه بیان و بلاغت انئید سهم بسیاری دارد.

واژه‌های کلیدی: انئید، ادوسیا، آنالس، کهن گرایی، حماسه لاتین، ویژگی‌های بلاغی.

Email:

mkiae@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

آدرس مکاتبه: تهران، خیابان کارگر شمالی، بین خیابان پانزدهم و خیابان شانزدهم، دانشکده زبان‌هاي خارجي دانشگاه تهران،
گروه زبان و ادبیات ایتالیایی

۱. مقدمه

ویرژیل در نگارش *انتیید* که از برجسته‌ترین نمونه‌های حماسه مصنوع است، از آثار گوناگون بهره گرفته و بسیاری از ویژگی‌های لفظی و معنایی را از آن‌ها اقتباس کرده است. در این میان، تأثیرپذیری این شاعر لاتین از *ایلیاد* و *اویسیه* هومر بی‌نظیر به‌نظر می‌رسد؛ چنان‌که شش فصل نخست انتیید ماجراهای اویسیه و شش فصل آخر نبردهای ایلیاد را در ذهن تداعی می‌کند (Perelli, 1994: 19). از سوی دیگر، در داستان‌های عاشقانه/*انتیید* تقلید از واقعیت آرکوناتیکا^۱ اثر آپولونیوس رودیوس^۲ مشهود است. علاوه‌بر این تأثیرها که در حوزه معنایی قابل بررسی است، با توجه به اینکه حماسه‌سرایی پیش از ویرژیل در ادب لاتین نیز سابقه داشته است، با استفاده از بخش‌های برجای مانده از کتاب‌های کهن حماسه لاتین، می‌توان به نفوذ سبک سخن‌سرایی استادان متقدم در *انتیید* پی برد. اما ویرژیل در شمار شاعران نوپرداز^۳ قرار می‌گیرد و بدین‌گونه گاه به رغم توجه به سیاق استادان کهن، به نوآوری یا تتعديل سبک آنان دست می‌زند (Quaglia, 1956: 14). این نوآوری‌ها گاه بر اثر قابلیت‌های تازه لاتین که در عصر باستان نبوده است، پدید می‌آید؛ اما در برخی موارد نبوغ ویرژیل و رای معیارهای زبانی است.

کتاب *انتیید* از همان دوره تألیف، چنان در چشم رومیان عظیم می‌نمود که پروپرتزیوس^۴- شاعر معاصر ویرژیل که از بزرگ‌ترین سخنوران لاتین است- ظهور کتابی بزرگ‌تر از *ایلیاد* را به هموطنان خود بشارت داد. سوتونیوس این قطعه را در زندگی‌نامه ویرژیل درج کرده است:

Cedite Romani scriptores cedite Grai
nescio quid maius nascitur Iliade (Scarcia, 1987: II, 34, vv. 65-66).
«ای نویسندهای روم، ای یونانیان، کار خود فروهیلید که آنچه برتر از *ایلیاد* است زاده شد.»

در میان شاعران کهن، سهم سه تن از حماسه‌سرایان بزرگ لاتین که بر ویرژیل تقدم دارند، در پیدایش ویژگی‌های بلاغی انتیید بارزتر است. در اینجا با بحث موجزی درباره حماسه لاتین و با توجه به اندک ابیات برجای مانده، به مهم‌ترین تأثیرهای سبک سخنوری آنان در پیدایش شیوه بلاغی انتیید می‌پردازیم.

پرسش مقاله حاضر، دریافت چگونگی بهره‌وری شاعر طراز اول لاتین، یعنی ویرژیل از

سخنوران درجه دوم و کهن آن زبان و بررسی شیوه‌های استحاله و بروز دوباره و نوآین مضماین، فنون بلاغی و ساختارهای کهن در کسوتی نو در شعر اوست. این مسئله با توجه به ابیات بسیار اندک برچای مانده از سه شاعر باستانی مؤثر بر ویرژیل، از طریق شواهد معبدی و در مقیاس خرد قابل اثبات است؛ اما می‌توان از راه قیاس به میزان واقعی آن تأثیرها در حماسه اندک پی برد و از سهم عمدۀ آن‌ها در شکل‌گیری شاهکاری ادبی خبر داد. روش تحقیق در این مقاله، با توجه به بعد زمانی شاعران مورد بحث و کمبود مدارک، بازخوانی تمام متن اندک و یافتن مشابههای ساختاری و سبکی آشکار آن با آثار سه شاعر بزرگ باستانی لاتین است. بدین‌گونه می‌توان با مشاهده معلول که در قالب ساختاری ادبی رخ نموده است، به‌سوی علت راه برد و با جستجوی آبیشورهای احتمالی سخن ویرژیل در اندک آثار برچای مانده از سخنوران حماسه‌سرای متقدم، میزان نوآوری او را در بهره‌گیری اش از میراث‌های کهن سنجید. بنابراین، فقط موارد و سرفصل‌هایی انتخاب شده‌اند که روابط میان متنی در آن‌ها بسیار آشکار، و دارای نوعی گمان نزدیک به یقین است و کمتر می‌توان در این‌باره به تداعی معانی و توارد قائل شد.

۲. بحث و بررسی

شعر حماسی در ادب کلاسیک غرب خاستگاه یونانی دارد و در بد و امر در این زمینه رومیان را می‌توان پیرو و مقلد یونانیان دانست. حماسه در روم همراه با تراژدی رشد کرد و در کنار آن تکامل یافت. از دیرباز نزد یونانیان نیز، ارتباط تنگاتگ تراژدی و حماسه شناخته و مطرح بوده است؛ چنان‌که ارسطو در کتاب فن شاعری در فصل بیست و سوم ضمن مقایسه تراژدی و حماسه می‌نویسد:

Περὶ δὲ τῆς διηγηματικῆς καὶ ἐν μέτρῳ μιμητικῆς, ὅτι δεῖ τοὺς μύθους καθάπερ ἐν ταῖς τραγῳδίαις συνιστάναι δραματικούς καὶ περὶ μίαν πρᾶξιν ὅλην καὶ τελείαν ἔχουσαν ἀρχήν καὶ μέσα καὶ τέλος (Paduano, 1998: XXIII).

«سپس درباره فن روایی که در قالب کلام منظوم به محاکات می‌پرداز، باید گفت که واضح است که روایات آن باید بر اساس همان شیوه تراژدی باشد، یعنی مطابق سیاق دراماتیک و حول عملی واحد و کامل؛ عملی که آغاز، میان و پایان داشته باشد.»

گذشته از درون‌مایه و شیوه پردازش حماسی، رومیان پس از آزمودن قالب عروضی ساتورنوس- چنان که درباره آندرونیکوس خواهیم گفت- مانند یونانیان به قالب عروضی هگزامتر روی آورده‌ند و توصیه ارسطو را در این مورد نیز به کار بستند:

Τὸ δὲ μέτρον τὸ ἡρωικὸν ἀπὸ τῆς πείρας ἥρμοκεν. Εἰ γάρ τις ἐν ἄλλῳ τινὶ μέτρῳ διηγηματικὴν μίμησιν ποιοῖτο ἢ ἐν πολλοῖς, ἀπρεπὲς ἂν φαίνοιτο· τὸ γὰρ ἡρωικὸν στασιμώτατον καὶ ὄγκωδέστατον τῶν μέτρων ἐστίν (Ibid).

«در باب عروض شعر حماسی بنابر تجربه، بحر هگزامتر شایان‌تر می‌نماید؛ چرا که محاکات روایی در چند بحر متفاوت یا بحور بسیار دیگر ناخوشایند و نامتناسب بهنظر می‌رسد؛ بدین‌روی هگزامتر فخیم‌ترین و متعادل‌ترین بحر موجود است.»

هگزامتر قالبی شعری شامل شش گام^۰ اغلب داکتیل^۱ یعنی یک هجای بلند + دو هجای کوتاه است. یک هجای بلند با دو هجای کوتاه قابل تعویض است. به این ترتیب، با توجه به آنکه داکتیل گام آخر مقطوع (شامل دو هجا) است، هگزامتر می‌تواند از دوازده تا هفده هجا داشته باشد. انسیوس نخستین بار هگزامتر را که در شعر کهن یونانی سابقه فراوان داشت، به‌طور گسترده در شعر لاتین به‌کار برد و همین موجب رواج این قالب در دوره‌های بعد شد (Riposati, 1980: 38).

در ادب کهن لاتین، حماسه با ترجمه و تقلید از یونان آغاز شد و بعدها در سخن ویرژیل رنگ اصالت یافت. از دو حماسه‌پردازان کهن مقدم بر ویرژیل، یعنی آندرونیکوس و نویوس، به‌ترتیب حدود چهل و شصت بیت ساتورنی آن‌هم از راه نقل سایر سخنوران برجای مانده است و این کار قضاوت را در برابر تأثیر آنان بر ویرژیل محدود می‌کند. اما از اندک ابیات برجای مانده شواهدی به‌دست می‌آید که می‌تواند در شناخت ساختار رطوبتیقایی ائمی مؤثر باشد. ابیات برجای مانده از انسیوس، آخرین حماسه‌سرای بزرگ پیش از ویرژیل، به حدود ششصد بیت می‌رسد؛ اما چنان که اشاره خواهد شد، تأثیر او بر ویرژیل با توجه به ابیات باقی‌مانده بیشتر در حوزهٔ معناشناختی است. شرح حال و سهم بلاغی سه سخنور کهن لاتین در بافتار ائمی از این قرار است:

۳. تأثیر بلاغی لیویوس بر ویرژیل با توجه به ابیات برجای مانده

نخستین اثر حماسی لاتین که درواقع ترجمه‌ای آزاد از ادیسه هومر است، ادوسیا^۷ نام دارد. صاحب این کتاب، لیویوس آندرونیکوس،^۸ حدود سال ۲۸۰ ق. م در شهر تارانتوم^۹ (در جنوب‌شرقی ایتالیا) زاده شد و در ۲۷۲ ق. م به برگی به رم آمد و پس از مدتی تدریس یونانی و لاتین نزد خاندان اشرافی لیویوس، به پاس این خدمت آزاد شد. از تاریخ وفات او اطلاع چندانی در دست نداریم (Della corte, 1976: 22).

آندرونیکوس برای نخستین بار متن ادیسه را با نام ادوسیا از هگزامترهای یونانی به قالب ساتورنی شعر لاتین ترجمه کرد؛ بهمین دلیل او را بنیان‌گذار شعر حماسی لاتین می‌خوانند (Ibid: 23). اگرچه ابیات اندکی از این مجموعه باقی است، برخی خصایص سبکی سخن آندرونیکوس از همان ابیات اندک آشکار است؛ از جمله در بیت آغازین منظومه که تأکید بر کلمه مرد (virum) – که مراد از آن اولیس (ادیسه) است – با مقدم داشتن آن بر سایر اجزای کلام نمایان می‌شود:

Virum mihi, Camena, insece versutum (Ibid: 20).

«ای کامنا برای من از مرد (پهلوان) زیرک (هشیار) بخوان.»

همین شیوه که می‌توان آن را در حوزه فن معانی و در حکم تقديم مفعول بر تمام اجزای کلام از جمله منادا و فعل دانست، در بیت آغازین کتاب *انثیه به چشم* می‌آید؛ آنجا که ویرژیل از قهرمان کتاب خود *انثاس*^{۱۰} که از شهر ویران ترویا بیرون آمده است، سخن می‌گوید:

Arma virumque cano, Troiae qui primus ab oris

Italiam, fato profugus, Laviniaque venit (Cetrangolo, 1996: 240).

در این مورد ویرژیل واژه مرد (virum) را بر فعل (cano) مقدم داشته و بر آن تأکید کرده است.

تأکید بر کلمات به شیوه‌ای دیگر در ادوسیای آندرونیکوس به چشم می‌آید و آن، استفاده از کلمات متراffد برای بیان مفهوم واحد است؛ این شیوه نوعی از حشو را در ذهن تداعی می‌کند. برای مثال، آندرونیکوس در بیتی مفهوم سرعت را با دو واژه هم‌معنای *topper* و *citi* نشان داده است:

topper citi ad aedis venimus Circae (Della corte, 1976: 24).

این‌گونه تأکیدها در *انثیه نیز* فراوان مشاهده می‌شود و گاه شاعر از عطف متصل que (معادل واو عطف) برای پیوند دادن دو یا چند واژه متراffد استفاده می‌کند؛ مثال:

Vestibulum ante ipsum primoque in limine Pyrrhus exsultat telis et luce coruscus aena (Cetrangolo, 1996: 312).

در این بیت واژه *ante* به معنای قبل و *primo* (با عطف متصل que) در معنا با هم متراffد‌اند و شاعر با استفاده از این دو کلمه مفهوم پیش بودن و تقدم را نشان می‌دهد. در مجموع، تأثیرپذیری ویرژیل از آندرونیکوس با توجه به ابیات اندکی که از این شاعر در دست داریم، منحصر به تکرار و تأکید در حوزه بدیع و معانی است. از سوی دیگر،

آندرونیکوس و ویرژیل به لحاظ معناشناسی به شدت از *ایسیسه* هومر متأثر بوده‌اند که این بحث در بلاغت هر دو بروز و ظهور داشته است؛ اما به علت از دست رفتن بخش بزرگی از کتاب آندرونیکوس نمی‌توان در حوزه بلاغت شاهدی بر این مدعای ارجائی کرد.

۴. کهن‌گرایی در شعر نویوس و تأثیر آن بر ویرژیل

چنان‌که دیدیم با توجه به اندک شواهد برجای مانده از آندرونیکوس، تأثیر او را بر ویرژیل فقط می‌توان در حوزه محدود تکرار و تأکید نشان داد و قضاوت دریاب تأثیرهای معناشناسنخنی او بر *انتید* منوط به آگاهی از سایر بخش‌های کتاب *ایوسیا*ست. اما با پیشروی در زمان و رسیدن به عصر نویوس، با توجه به آنکه شواهد برجای مانده از این شاعر باستانی اندکی بیش از آندرونیکوس است، می‌توان نمونه‌های دیگری را از روابط بین‌متنه آثار دو نویسنده نشان داد.

نویسنده متقدم دیگری که در سخنوری ویرژیل تأثیرگذار بوده است، گنوس نویوس^{۱۱} نام دارد. نویوس به تقریب بین سال‌های ۲۸۵ تا ۲۶۰ ق. م در کامپانیا یعنی ناحیه‌ای که ناپل و سالرنو از شهرهای مهم آن‌اند، تولد یافت و در نحسین جنگ کارتاز (۲۶۴-۲۶۱ ق. م) در شمار نیروهای متحده لاتین‌تبار ایتالیا چنگید. نویوس بسیار صریح‌اللهجه بود و در برابر مخالفان بی‌پرده سخن می‌گفت و به همین علت مطابق روایت ژروم (Jerome) تلفظ انگلیسی، در ایتالیایی Girolamo و در لاتین Hieronymus) در کتاب کرونیکن^{۱۲}، اشرف او را از رم بیرون راندند (Di Sacco, 2001: 74). ژروم درگذشت او را به سال ۲۰۱ در اوپیکا^{۱۳} (در تونس فعلی) دانسته است.

مهترین اثر نویوس که او را در شمار حماسه‌سرايان قرار می‌دهد، کتاب جنگ کارتاز یا *بلوم پونیکوم*^{۱۴} است. نویوس در این منظومه داستان نژاد رومی را روایت می‌کند که به یاری خدایان بر اهالی کارتاز پیروزی می‌یابند و سپاه آنان را در هم می‌کوبند. *بلوم پونیکوم* ستایش دلاوری‌های فردی واحد یا فرمانده سپاه نیست؛ بلکه سپاهیان در آن چونان کلی یکپارچه مورد نظرند؛ مجموعه‌ای که اعضای آن سازنده جنگاوری شکست‌ناپذیرند (Ibid: 75).

به جز ماهیت این اثر حماسی که بر تفکر ویرژیل مؤثر بوده است، ویژگی‌های سبکی آن نیز در *انتید* ظهور دارد. از مهترین آن‌ها می‌توان به کهن‌گرایی^{۱۵} اشاره کرد. غربت استعمال

و کهن‌گرایی اگر از حد اعتدال فراتر نزود، به بیان حماسی فخامت می‌بخشد و استواری کلام شاعر را دوچندان می‌کند. برای مثال در این نمونه‌ها که از جنگ کارتاژ نویوس انتخاب شده، کلمات *terras* و *verbenas* در حالت اضافی مختوم به *as* است؛ حال آنکه این ساختار در زمان خود شاعر هم منسخ بوده و ساختارهای تصیری دیگر نظیر *is* برای حالت اضافی رواج داشته است (Alosi, 2001: 35). شاهدمثال ابیاتی است که از طریق روایت پاولوس^۶ و پریسچانوس^۷ از کتاب جنگ کارتاژ بر جای مانده است:

Scopas atque verbenas sagmina sumpserunt.

Runcus ac Purpureus filii Terras (Della corte, 1976: 24).

ویرژیل نیز کلمه *terras* را دقیقاً به همان صورت بارها در *انئید* به کار برده است؛ برای نمونه:

maria ac terras caelumque profundum (Quaglia, 1956: 60).

turbabat caelo; nunc terras ordine longo (Ibid: 395).

quae mare nunc terras que metu caelumque fatigat (Ibid, 280).

این در حالی است که وجه اضافی معمول واژه *terra* یعنی *terrae* نزد سایر نویسندهان رایج بوده است؛ از جمله سیسرون که از نظر زمانی بر ویرژیل مقدم است می‌گوید:

*quae et suco *terrae* et calore solis augescens* (Powel, 1988: 53).

اما کهن‌گرایی ویرژیل منحصر به استفاده از تصاریف کهن کلمات رایج نیست؛ بلکه گاه او واژگان کهن را با پایانه‌های صرفی رایج به کار می‌گیرد. در این حالت پایانه^۸ غرباتی ندارد؛ بلکه خود واژه است که قدمت و دیرپایی کلام را نمایان می‌کند. برای مثال، در ابیات ذیل لفظ کهن *armipotens* به معنای دلاور به کار رفته است؛ حال آنکه واژه رایج معادل دلاور در لاتین *strenuus* است (Badellino, 1966: 1159).

*Ipsumque Aeaciden genus *armipotentis* Achillei* (Quaglia, 1956: VI, v. 839).

Hic Mars armipotens animum virisque Latinis/ addidit... (Ibid: IX, vv. 717-718).

از دیگر خصایص سبکی‌ای که ویرژیل در کاربرد آن‌ها به کتاب جنگ کارتاژ نویوس نظر داشته، یکی کاربرد *epiteti formulae* یعنی صفات و القابی است که در حکم اسم قرار می‌گیرند یا همواره همراه آن ذکر می‌شوند. واژه *epiteto* برگرفته از *epitheton* یونانی از ریشه *tithenai* به معنای برنهاده و برافزوده است (Zanichelli, 2001: 637)؛ از آن‌رو که *epiteto* همواره به جای نام شخصیت‌های برجسته اثر حماسی نهاده یا بر آن افزوده می‌شود.

سابقه فرمول‌های حماسی در ادبیات کلاسیک غرب به *ایلیاد* و *اویسه* بازمی‌گردد؛ چنان

که هومر بارها القابی را قرین نام‌های نقش‌آفرینان داستان خود کرده است. رایج‌ترین شیوه کاربرد این القاب، ساختن صفت از نام پدر است؛ برای مثال آشیل بارها پلیادئوس خوانده شده است:

μῆνιν ἔειδε θεὰ Πηληηΐδεω Ἀχιλῆος (Ciani, 2007: I, 1).

«هان ای الهه شعر، مرا از آشیل پلیادئوس (فرزند پلئوس) بخوان.»

برای نمونه‌ای از کاربرد این القاب در کتاب نویوس، می‌توان به بیت زیر اشاره کرد که در آن مراد از *senex* (پیر)، آنکیز (Anchise) پدر انساس است؛ چرا که او به سال‌خوردنی نام برآورده بود:

senex fretus pietati deum adlocutus (Della corte, 1976: 26).

«پیرمرد (آنکیز) با اعتماد به درستکاری اش در برابر خدایان، او را خواند.»

ویرژیل نیز در *انئید* در پیروی از این شیوه حماسی کلاسیک، بارها القابی را در وصف قهرمانان یاد کرده است؛ برای مثال لقب *pius* (صالح، درستکار) در کتاب او به انساس اختصاص دارد؛ مثال:

Sum *pius* Aeneas, raptos qui ex hoste Penates (Quaglia, 1956: I, v. 378).

quam *pius* Aeneas tibi enim, tibi, maxima Iuno (Ibid: VIII, v. 84).

tum *pius* Aeneas hastam iacit... (Ibid: X, v. 783).

۵. تقلید ویرژیل از انيوس در صناعات لفظی بلاغت

آخرین حماسه‌سرای عصر باستانی لاتین که در شکل‌گیری شیوه بلاغی ویرژیل تأثیرگذار بوده است، کوینتوس انيوس^{۱۰} نام دارد. انيوس در کتاب نویوس و آندرونیکوس سه ضلع مثبت حماسه‌پردازان کهن لاتین‌اند. درواقع، ایشان با اصالت بخشیدن به فرهنگ لاتین، مقدمات ظهور سخنوری مانند ویرژیل را فراهم آورده‌اند.

انيوس را پدر شعر لاتین نام نهاده‌اند. او در سال ۲۲۹ ق. م در Rudiae (ناحیه‌ای میان شهرهای ونوزا^{۱۱} و بریندیزی^{۱۲}) زاده شد. سوتونیوس^{۱۳} او را مانند آندرونیکوس نیمة یونانی^{۱۴} خوانده است (Serra, 1990: 1.2). انيوس به سه زبان یونانی، اسک و لاتین سخن می‌گفت. اسک^{۱۵} زبان مادری اش بود، یونانی را چونان زبان فرهنگ آموخته و با لاتین در جنگ دوم کارتاز خو کرده بود. او به سال ۲۰۴ ق. م به خواست کاتو به رم رفت و در آنجا نخست از راه تدریس روزگار می‌گذارند، سپس با ورود به فن نمایشنامه‌نگاری رفته‌رفته بر

شهرت خود افزود و چنان آوازه برآورد که مارکوس فولویوس نوبیلیور^{۵۵} او را چونان مدحپرداز فتوخ خود به اردوی نظامی در آمبراکیا^{۵۶} برد (Di Sacco, 2001: 168). آنیوس در ۱۶۹ ق. م به هنگام جشنواره‌های آپولینر^{۵۷} (در بزرگداشت آپولو) که در آن نمایش *Thyestes* او نخستین بار اجرا می‌شد، در گذشت. با ظهور آنیوس ضلع سوم مثلث حمامه‌سرايان باستانی کامل شد و شعر لاتین از لحاظ ساختار و محتوا ارتقا یافت. از سویی، او چنان که خود گفته، صاحب سه قلب^{۵۸} است (Marshall, 1990: 17). سه قلب به سه زبان لاتین، یونانی و اسک اشاره دارد و این موجب می‌شود فرهنگ لاتین در کنار یونانی و اسک بینش و گویش شاعر را تکامل بخشد.

شاهکار آنیوس، کتاب شامخ آنالس^{۵۹}، شامل وقایع رم و داستان پیدایش آن از ورود انساس به ایتالیا تا روزگار خود شاعر است. از این کتاب امروز فقط حدود ۶۵ بیت به‌جا مانده است. اصل کتاب در قالب هگرامتر در ۱۸ باب و شاید شامل بیش از ۲۰ هزار بیت بوده است (Di Sacco, 2001: 170).

تأثیر ویرژیل از آنیوس بیشتر در حوزه معناشناختی است؛ اما سهم بلاغی او را می‌توان چنین خلاصه کرد: آنیوس مانند نویوس کهن‌گرایی و غربت استعمال را در کتاب خود به‌کار بسته است؛ برای مثال کاربرد پایانه‌های تصريفی *ai* و *as* در حالت اضافی (چنان که درباره گفتیم) که حتی در زمان شاعر نیز کهنه می‌نمودند، یا کاربرد *endo* و *indu* به‌جای *in* و *ipsa* به‌جای *ipsa*؛ مثال:

Latos per populos *terras* que poemata nostra (Della corte, 2001: 72).

consilio *indu* foro lato sanctoque senatu (Marshall, 1990: 17).

به‌لحاظ فن بدیع، ویژگی اصیل و صنعت مکرر سخن آنیوس در آنالس، هم‌آوایی و واژ-آرایی است؛ برای مثال می‌توان به بیت زیر اشاره کرد که در کتاب‌های تاریخ ادب لاتین بارها دیده می‌شود:

o Tite tute Tati tibi tanta tyranne tulisti.

«هان ای تیتوس تاتیوس تو رنج فراوان بردی.»

این بیت در ضبط والن^{۶۰} (1911-1830) به‌گونه‌ای دیگر آمده است:

At Tite Tati tibi tanta, tyranne tulisti (1967: V. 109).

این نوع واژ‌آرایی در آنلئی ویرژیل نیز بسیار دیده می‌شود؛ از جمله می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

Ipsa, Iovis rapidum iaculata e nubibus ignem (Quaglia, 1956: I, v. 43).

Pygmalionis opes pelago... (Ibid: I, v. 364).
 magno cum murmure montis... (Ibid: I, v.55).

علاوه بر واج آرایی، ویرژیل در نام آوایی^{۲۰}، یعنی نمایان کردن اصوات برخاسته از طبیعت در زبان، سبک انيوس را درنظر داشته است. انيوس گفته است:

at tuba terribili sonitu taratantara dixit (Garbarino, 2001: 165).

در این بیت کلمهٔ درواقع برای نشان دادن صدای شیبور جعل شده است. ویرژیل نیز در انتیپ صدای تاخت و تاز اسبان را چنین به‌گوش می‌رساند:

quadripedante putrem sonitu quatit ungula campum (Quaglia, 1956: VIII, v. 596).

در این مورد تفاوت کار انيوس و ویرژیل در آن است که انيوس از کلمه‌ای نامانوس و برساخته بهره می‌گیرد؛ اما ویرژیل که در دوران پختگی زبان لاتین به‌سر می‌برد، از کلمات موجود و قوامیافته در دل زبان استفاده می‌کند تا ناآشنایی کلمات موجب افول ارزش ادبی متن نشود.

در زمینهٔ واج آرایی و نام آوایی، اوج تأثیرپذیری ویرژیل از انيوس در کتاب ششم انتیپ به‌چشم می‌خورد. در این قطعه شاعر با اندکی تغییر، تصویر انيوس از قطع درختان جنگلی انبوه و پر شاخ و برگ را در کتاب خود بارها نشان داده است. انيوس در توصیف این واقعه می‌گوید:

Incedunt arbusta per alta, securibus caedunt
 Percellunt magnas quercus exciditur ilex;
Fraxinus frangitur atque abies consternitur alta
Pinus proceras pervortunt. Omne sonabat
 Arbustum fremitu silvai frondosai (Vahlen, 1967: vv. 187-191).

«در میان شاخ و برگ بلند درختان گام برداشتند و تبرزنان آن شاخه‌ها را فروفاکتدند، درختان سترگ بلوط را برانداختند و از ریشه برکنند. درخت ون درهم شکست و صنوبر بلند فروافتاد. کاج‌های سرافراخته به خود لرزیدند و هر درختی ارتعاش جنگل انبوه را می‌سرود.» ویرژیل در نمایش این تصویر از واج آرایی انيوس اندکی کاسته و بیشتر بر دقت و فصاحت زبان خود افزوده است:

Itur in antiquam sylvam stabula alta ferarum.
Procumbunt piceae sonat icta securibus ilex.
Fraxineaeque trabes cuneis et fissile robur.
 Scinditur advolvunt ingentis montibus ornos (Quaglia, 1956: vv. 179-182).
 «در بیشه‌ای کهن که جایگاه ژرف ددان بود روان گردیدند. درختان کاج را فروانداختند و بلوط‌های سبز زیر ضربات تبر به صدا درآمدند. گوه تبرها را در شکاف درختان ون نشاندند

و آن‌ها را پاره‌پاره ساختند و بلوط‌ها را از فراز کوه‌ساران فروغلتاندند.»

۶. نتیجه‌گیری

کتاب /نهید در پرداخت شیوه بیان و بلاغت علاوه‌بر تأثیرپذیری بسیار از منظومه‌های حماسی یونان، مرهون نویسنده‌گان متقدم لاتین است. آندرونیکوس، نویوس و اینوس که بزرگ‌ترین نمایندگان شعر حماسی لاتین تا زمان ویرژیل‌اند، هریک در شکل‌گیری شیوه بیان /نهید نقش داشته‌اند. در این میان فصل مشترک تأثیر این سه شاعر بر ویرژیل را با توجه به شواهد موجود، می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. کهن‌گرایی: کهن‌گرایی نوعی از غربت استعمال است و باعث افزایش عظمت کلام حماسی در نزد مخاطبان و فزونی طمطراق و درنتیجه تأثر بیشتر آنان می‌شود. این شیوه از یونان باستان نزد سخنوران شناخته شده بود و حماسه‌پردازان لاتین نیز به آن دست یازیده‌اند.

۲. صنایع لفظی بلاغت: صنایع لفظی بلاغت که در حوزهٔ فن بدیع بررسی می‌شود، باعث آراستگی ظاهر و قالب کلام و دگرگونی در بافتار و لایهٔ بیرونی آن می‌شود. از مهم‌ترین این صنایع در شعر کهن حماسی لاتین می‌توان به واج‌آرایی و نمود اصوات طبیعت در کلام (نام-آوایی) اشاره کرد. واج‌آرایی با توجه به عروض و قالب خاص زبان لاتین-چنان که در شواهد به‌چشم می‌آید- بیشتر در حروف صامت واقع می‌شود و عملکرد آن در جهت تجسم و تأثیر بیشتر سخن است.

۳. تصاریف کهن لغات: زبان لاتین زبانی ترکیبی^{۳۲} است که در آن لغات به‌منظور پذیرفتن نقش نحوی به پایانه‌های گوناگون ختم می‌شوند. استفاده از پایانه‌های صرفی باستانی که در زبان عصر شاعر رواجی نداشت‌اند، در جهت ایجاد غربت استعمال و درنتیجه فزونی فحامت سخن است.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. Apollonius
2. Rhodius
3. poetae novi
4. Propertius
5. pes
6. dactyl
7. Odusia

8. Livius Andronicus
9. Taranto
10. Aeneas
11. Gnaeus Naevius
12. *Chronicon*
13. Utica
14. *Bellum Punicum*
15. archaism
16. Paulus
17. Priscianus
18. desinenza
19. Quintus Ennius
20. Venosa
21. Brindisi
22. Suetonius
23. semigraecus
24. oscan
25. Marcus Fulvius Nobilior
26. Ambrachia (Ambracia)
27. Ludi Apollinares
28. tria corda
29. Annales
30. Johannes Vahlen
31. onomatopea
32. sintetico

۸. منابع

- Alosi, Pagliani (2001). *Radices Teoria (Theory of Radix)*. Torino: Petrini Editore.
- Badellino, Oreste (1966). *Dizionario della lingua latina (Dictionary of the Latin Language)*. Torino: Rosenberg.
- Cetrangolo, Enzio (1996). *Virgilio tutte le opere (Virgil, all works)*. Milano: Sansoni editore.
- Ciani, Maria G. & Avezzù, Elisa (2007). *Omero, Iliade (Iliade)*. Venezia: Marsilio.
- Della corte, Francesco (1976). *Antologia degli scrittori latini (Anthology of Latin*

- Writers). Torino: Loescher.
- _____ (2001). *Disegno storico (Historical Design)*. Torino: Loescher.
 - Di Sacco, Serio (2001). *Il Mondo latino (The Latin World)*. Milano: Bruno Mondadori.
 - Ennius, J. Vahlen (1967). *Ennianae Poesis Reliquiae*. Amsterdam: Teubner.
 - Garbarino, Giovanna (2001). *Storia e Testi (History and Texts)*. Torino: Paravia.
 - Marshall, Peter K. (1990). *Gellius, Noctes Atticae*. Oxford: Oxford University Press.
 - Paduano, Guido (1998). *Aristotele, Poetica (Poetics)*. Bari: Laterza.
 - Perelli, Luciano (1994). *Storia della letteratura latina (History of Latin Literature)*. Torino: casa editrice Paravia.
 - Powel, Jonathan G. F. (1988). *Cicero, Cato Maior De Senectute*, Cambridge: Cambridge University Press.
 - Quaglia, Guglielmo (1956). *Virgilio, Eneide. (Aeneid of Virgilio)*. Roma: Societa Editrice Dante Alighieri.
 - Riposati, Benedetto (1980). *Disegno e testimonianza della cultura latina (Design and Testimony of Latin Culture)*. Roma: Società editrice Dante Alighieri.
 - Sabbadini, R. & L. Castiglioni (1973). *Virgilio, Aeneid (Aeneid of Virgil)*. Torino: Loescher.
 - Serra, F. (1990). *Suetonius, De Grammaticis et Rhetoribus (Suetonius, Rhetoric and Grammar)*. Pisa: Casa Editrice Giardini.
 - Scarcia, Riccardo (1987). *Properzio*. Milano: Bur Editore.
 - Vahlen, Johannes (1967). *Ennianae Poesis Reliquiae*. Amsterdam: Teubner.
 - Zanichelli, Nicola (2001). *Vocabolario della Lingua Italiana*. Bologna: Zingarelli.